

عشق «شده اند»!



کافر، نه متشرع است و نه ضد شرع، نه ایرانی است و نه غیر ایرانی، خلاصه هیچ خطری ندارد و خوراک طبقه لنگ در هوایی است که مولانا را از اکسیلور اینستاگرام و ایفلوئنسرهای مصرف کننده ادبیات شناخته‌اند و با سرعت وحشتناکی به سمت بی‌هویتی محض می‌روند. مولانا و شمس فتحی «شخصیت»های شتر گاوپلنگی هستند که می‌توانی یک «برداشت آزاد» تنگشان بزنی و هر بلایی که دلت خواست سرشان بیاوری. می‌توانی جادو را جایگزین عرفان کنی، از عارف دیوید کاپرفیلد بسازی، عارف تارک دنیا را زن باره تصویر کنی و...

قربانی معتقد است: «مست عشق» می‌فروشد چون فتحی بازار را می‌شناسد. چون می‌داند چگونه باید مولانا را مصرفی و کالایی کند. اما شریک ترک فتحی چه چیزی کاسب می‌شود؟! شمس جایی به کتابخانه مولانا اشاره می‌کند و حکم دور ریختن همه کتاب‌ها را می‌دهد. ماجرا جایی تاسف‌بار می‌شود که تنها کتابی که از کتابخانه مولانا به آن اشاره می‌شود؛ شاهنامه است. در انتها هم یک نظامی ترک، پس از پذیرفتن عرفان مفروض شمس و مولانا، نظم را مستقر می‌کند. محمد قربانی در پایان گفت: نوع نگاه فتحی در «مست عشق» به زبان فارسی، دین و عرفان - فارغ از خودآگاهی یا عدم خودآگاهی فتحی نسبت به آن - خوراک نظام سکولار ترکیه است که رویای عثمانی را در سر می‌پروراند.

جبار آذین:

«مست عشق»؛ عاشقانه‌ای فاخر و مانادر سینمای جهان

جبار آذین منتقد و مدرس سینما و تلویزیون در معرفی «مست عشق» گفت: تصویر هنرمندانه، پژوهشگرانه و خردمندانه برشی از زندگی پر شور و سلوک مولانا و شمس تبریزی که جایگاه رفیع و والایشان نزد اهالی خرد، عرفان و هنر ایران و جهان بسیار عیان است؛ در دوران یورش و سلطه مغول‌ها به ایران در سال‌های ششصد و چهل و ششصد و چهل و پنج هجری قمری و نمایش سیر معرفتی عرفانی مولانا و تأثیرات شگرف و انقلابی شمس تبریزی بر او، مضمون محوری درام تاریخی و عاشقانه «مست عشق» ساخته ارزشمند حسن فتحی نویسنده و کارگردان باسواد درام، تاریخ، هنر و مخاطب‌شناس سینما و تلویزیون است که کارنامه‌ای درخشان در سینما و سینما دارد. در واقع «مست عشق» حاصل نگاه و برداشت آزاد این هنرمند از زمانه و رخدادهای زندگی مولانا و شمس تبریزی است که با لحاظ تلفیق هوشمندانه نگره‌های عرفانی دیروز و امروز و جایگاه مولانا و شمس و عرفان در تاریخ انسان و عرفان، همچنین نیاز و سلیقه به روز مخاطب به قلم مشترک فرهاد توحیدی و حسن فتحی به فیلمنامه‌ای جذاب تبدیل و توسط فتحی در قالب یک اثر سینمایی ارزنده جلوه‌گر شده است. وی افزود: «مست عشق» با توجه و تمرکز بر روی موضوع و خمیرمایه سرشت آفرینش و جهان هستی با بازنمایی مقوله عشق‌های مجازی، خدایی، زمینی، آسمانی، انسانی و الهی در پیکره داستان فیلم، راوی عشق و مهر عرفانی مولانا و شمس، عشق علاءالدین پسر مولانا و کیمیاخاتون، دختر خوانده مولوی و عشق اسکندر به مریم، از نقش تعیین‌کننده و بنیادین عشق و محبت در زندگی‌های انسانی و الهی سخن می‌گوید و این مفاهیم و آموزه‌های بزرگ و مهم را به نیکی با پردازش باورپذیر کارا کترها و پیوند تنگاتنگ مضامین عاشقانه با یاری هنرمندان توانا و حرفه‌ای ایرانی و ترکیه‌ای در مقابل دوربین به تصویر کشیده است. او اظهار داشت: در شرایط کنونی که بعضی از زوایای مختلف استنباطی به مسئله عرفان ورود کرده و نگاهی مثبت به مولوی و شمس ندارند و همچنین از آن خود کردن مولانا توسط ترک‌ها و سنت دیرپای زیست و نمایش سماع شیفتگان شمس و مولوی در قونیه به علت خواب عمیق مسئولان مدعی حراست فرهنگ، هنر و تاریخ کشور که از ما بهتران هر روز یک شخصیت و اثر تاریخی ایران را به نام خود می‌کنند! به اضافه لزوم لحاظ نگاه جهان امروز به مقوله عشق و رواج سرریال‌های عاشقانه سطحی و تاریخی تحریفی ترکیه‌ای و شهرت برخی عوامل این سرریال‌ها در جهان و ایران و... این فیلم نمی‌توانست در داخل ایران تولید شود و به ناچار در شهر قونیه ترکیه ساخته شد و به رغم انواع مشکلات، موانع و اختلاف‌ها توانست راه موفقیت و سربلندی خود را تا اکران تاریخی در سینمای ایران طی کند و با استقبال خوب و بی‌ظنیر تماشاگران مواجه و با توفیق اجتماعی، رضایت ملی و جهانی را با خود همراه کند. جبار آذین در پایان بیان کرد: «مست عشق» که فیلمی خوش ساخت، بامحتوا و محترم در کارنامه هنری حسن فتحی، شهاب حسینی، پارسا پیروزفر و سینمای ایران محسوب می‌شود؛ از نظر فیلمنامه، تدوین، موسیقی، دوبله، کارگردانی و... نیز در ردیف بهترین‌های سینمای جهان جای دارد.

محمد قربانی:

مولانای فتحی؛ مولانای چم است

می‌توان گفت که حتی اگر «مست عشق» به مخاطب احساس مقبول بودن ندهد و او را شکیفته خود نکند، ولی حداقل این احساس به او دست نمی‌دهد که وقتش تلف شده یا فیلم خیلی بدی بوده یا ضربه‌ای به تصور ذهنی او در مورد مولوی یا شمس زده یا اصلاً فاصله خیلی بعیدی با شمس و مولوی داشته است. باز هم تاکید می‌کنم برای یک‌بار دیدن فیلم، احساس بدی به مخاطب دست نمی‌دهد.

محمد قربانی محقق، نویسنده و منتقد سینما در ابتدا اذعان داشت: سینمای «مست عشق» ول معطل است! فیلمنامه دستپاچه و به‌هم‌ریخته، اجرای مبتدی، تدوین مشوش‌کننده، بازی‌های بد و وجود حفره‌های اساسی و مبنایی در فیلم، به‌قدری آزاردهنده‌اند که حتی یک لحظه هم نمی‌توان قصه نداشته فیلم را دنبال کرد و به شخصیت‌هایش نزدیک شد. با این حال «مست عشق» می‌فروشد و توسط برخی در حال تبدیل شدن به یک دستاورد سینمایی و فرهنگی است.

وی افزود: پرچم برداشته‌اند و دور افتخار می‌زنند که «مست عشق» گیشه را از چنگ کمدها در آورده است. در حالی که مست عشق و کمدهای بی‌ارزش سال‌های اخیر، دوری یک سکه‌اند. در واقع مولانا و شمس حسن فتحی را فرهنگ‌ولنگار معاصر ما سفارش داده است. مولانای فتحی، مولانای چم است و برای مخاطب چم ساخته شده است. مولانایی که نه شیعه است و نه سنی، نه مومن است و نه

است که این موضوع و جریان بیشتر متناسب یک سرریال است. با توجه به از یک موضوع به موضوع دیگر پریدن‌هایی که در یک فیلم سینمایی جواب ندارد و شاید می‌توانست در سرریال قوام بیشتری پیدا کند. ولی روایت‌های مختلف بیشتر و داستانک‌های بیشتری باید می‌داشت. نه این که کل زندگی مولوی نشان داده می‌شد، فقط بخش مهم استحال، یعنی در واقع حرکتی که مولوی در اثر ملاقات با شمس، از یک عالم بسیار محبوب به یک عالم شوریده‌حال دارد، باید بیشتر قابل لمس و درک می‌بود. ما نباید شوریده‌حالی را فقط در حرف و ظاهر و یا مثلاً چند عکس خیلی کوتاه بلکه باید خیلی خیلی بیشتر ببینیم، تغییرات و واکنش‌هایی که اطرافیان و خانواده‌اش نسبت به او دارند نیز می‌بایست خیلی سسنگین‌تر می‌بود چرا که تغییر او تغییر بسیار بسیار بزرگی بوده است. با وجود این که کار بسیار سختی است، اما این مسئله باید قابل لمس‌تر و عینی‌تر باشد تا حتی مخاطبی که اندک اطلاعی دارد یا حتی ندارد از تماشای فیلم، دریافت‌های کامل یا حداقل دریافت‌های کم‌سوالی داشته باشد. ولی الان به‌نظرم سوال‌های زیادی وجود دارد. سوال‌هایی در مورد این رابطه، این تحول، ورود و خروج شمس به قونیه، فضا و ماجراهای آن روزگار، چرایی بودن مولوی در قونیه و... در واقع مسیر تحول مولوی در فیلم خیلی ناقص است.

ضعف عمده «مست عشق» این است که خط روایی آن، خط روایی پر قدرتی نیست. نکته دیگر مربوط به بازی‌های فیلم است با وجود این که دو بازیگر شاخص در آن بازی می‌کنند که من توقع بیشتری از آن‌ها داشتم به خصوص از پارسا پیروزفر که بازیگر بسیار خوب و توانمندی است اما به‌نظرم بازی او در این فیلم خیلی خیلی معمولی بود. شاهین امین در پایان اظهار داشت: با این همه به‌صورت خلاصه